

مهم‌ترین اصل گردشگری مسئولانه، رعایت فرهنگ میزبان است. احترام به عقاید مذهبی، عرفی و تاریخی این مردم چیزی است که نباید فراموش کنید



آسمان شب
در دل کویر ورزنه



پل تاریخی ورزنه



تفریحات
سایت واحه در
کویر ورزنه



در نبود غبارها و نورهای مزاحم شهری، خیره شوید به لاجوردی درخشان آسمان که مانند مخملی نرم است که روی آن اکتیل پاشیده باشند

اقتصاد محلی است. به عنوان گردشگر، بهتر است از غذاهای محلی و محصولات بومی هر منطقه استفاده کنید و به جای خرید سوغات از فروشگاه‌های زنجیره‌ای و بزرگ، از کارگاه‌ها و تولیدی‌های محلی خرید کنید. حواستان به محیط زیست باشد. زباله غیرقابل تجزیه تولید نکنید، زباله‌های خود را در صورت امکان با خود ببرید، ترجیحاً از امکانات محلی برای رفت و آمد استفاده کنید و البته حواستان به حیوانات چه اهلی و چه وحشی باشد.

گردشگری مسئولانه

سفر به شهرها و روستاهای کوچک که فرهنگ و تاریخی قدیمی دارند آدابی دارد که گردشگرها باید رعایت کنند. این «باید» یک پیشنهاد نیست! یک توصیه است. یعنی رعایت آن هم به نفع گردشگر است و هم به نفع مردم بومی. مهم‌ترین اصل رعایت فرهنگ میزبان است. احترام به عقاید مذهبی، عرفی و تاریخی این مردم چیزی است که نباید فراموش کنید. نکته مهم دیگر، تقویت

قورتان که به دوران ساسانیان برمی‌گردد. این ارگ زمانی یک شهر کامل بوده درون دیوارهایی که نگهبانان مراقبش بودند. هنوز بازار و حمام و کیوترخانه آن برجاست. دیدنی یاد واقع شنیدنی جالب دیگر، زبان مردم محلی قورتان است. آنها با زبانی متفاوت از مردم ورزنه صحبت می‌کنند. زبانی که به جامانده از زبان پهلوی است.

سفید مثل پنبه

شهر ورزنه همسایه زاینده رود است. همه خیابان‌هایش به زاینده رود راه دارند. چندین پل وسط شهر هست که روی این رود بنا شده‌اند که یکی از آنها یادگار دوران صفویه است. ورزنه آخرین شهری است که رود از آن عبور می‌کند. ایستگاه بعدی می‌شود تالاب گاوخونی. به خاطر همین رود، پیشه اصلی مردم کشاورزی است. عموماً پنبه می‌کارند و در مرحله بعد گندم و جو و ذرت. اگر ترسالی باشد، در فصل برداشت پنبه، آبان، مزرعه‌ها مثل چادر بانوان یکدست سفید می‌شود. گله‌های دام هم در همین مزارع می‌روند تا از گاه و گلش بخورند.

از همین پنبه در کارگاه‌های کاربافی ورزنه استفاده می‌کنند. کاربافی فن و هنری ایرانی برای تولید پارچه است. این هنر از زمان قاجار در همه خانه‌های ورزنه اعم از غنی و فقیر بوده است. الان هم هنوز چند کارگاه نیمه فعال باقی مانده که عمدتاً چاپ (چادر شب)، سفره نان، سفره قند، بقچه حمام و چادر سفید می‌بافند. این هنر منحصر به ورزنه است و در جای دیگری از ایران، بافته‌ها و طرح و نقش آنها را پیدا نمی‌کنید.

از رود زنده تا آبگیر بزرگ

اهالی ورزنه معتقدند زاینده رود تا گاوخونی می‌رود، زیر رمل‌های جنوبی پنهان می‌شود و در کرمان بالامی‌آید. در سال‌های شادابی زاینده رود، این تالاب محل دوره‌می پرندگان مختلف در فصل مهاجرت بود. دلیل این نامگذاری هم به خاطر واژگان قدیمی و معنای محلی آن است. در زبان فارسی قدیم، گاو به معنی «بزرگ» و خونی به معنی «آبگیر» بوده است. در واقع نام این منطقه از ظاهرش گرفته شده است: آبگیر بزرگ. اگر به ورزنه رفته‌اید حتماً سراغ افسانه‌های هیجان‌انگیز مردم را بگیرید و از آنها لذت ببرید. افسانه‌هایی مثل اژدهای تالاب، شهر گناه یا عمارت گنج مخفی!

مردمان آن زرتشتی بوده و بعد به اسلام گرویده‌اند. هنوز هم آثار دوران ساسانیان در این شهر کم و بیش دیده می‌شود. البته یکی از آثار تاریخی مهم در ورزنه مسجد جامع ورزنه است که می‌گویند زمان تیموریان ساخته شده است. در واقع بهتر است بگوییم زمان تیموریان تبدیل به مسجد شده است. ولی پیش از آن هم آتشگاهی برای اجداد زرتشتی مردم سپیدپوش ورزنه بوده است.

بنای قدیمی بعدی که خوشبختانه در سال‌های اخیر احیا شده، آسیاب شتر است. این آسیاب مربوط به دوران صفویه (۵۰۰ سال قبل) است و در قسمت جنوبی ورزنه و انتهای شهر قرار دارد. زمانی با شتر سنگ آن را می‌چرخانند و برای مردم آرد تهیه می‌کردند. بعد از احیا، این حالت حفظ شده و به صورت نمادین با شتر گندم آسیاب می‌کنند.

اما این تنها مورد همزیستی و همکاری انسان قدیم ورزنه و حیوانات نیست. گاوپناه و کیوترخانه هم دو بنای دیگر یادگاری از دوران صفویه است که در سفر به شهر حتماً باید ببینید. گاوپناه مثل آسیاب احیا شده است. از این چاه قدیمی به کمک دو گاو کوهان دار آب می‌کشیدند. این روزها هم گاهی استفاده می‌شود چون نیازی به برق و سوخت ندارد. کیوترخانه که از آسمش پیداست بنایی بوده برای نگهداری از کیوترها. کیوترخانه‌ها مظهر تمام قد بازی دوسربرد بودند. انسان شرایط زندگی را برای کیوترها فراهم می‌کرد و از کود کیوترها برای مصارف کشاورزی خود بهره می‌برد. به گفته محلی‌ها تا همین ۳۰ سال پیش این برج ۲۵ هزار کیوترا داشت. وسط زمین‌های زراعی بود. کیوترها از زمین‌ها تغذیه می‌کردند و در کیوترخانه لانه امن داشتند. نوع ساخت بنا و مصالح به کار رفته در آن طوری بود که بجز کیوترا هیچ حیوان و حشره‌ای امکان ورود به آنجا را نداشت. کود حاصل از کیوترها را به روستاهای دیگر هم صادر می‌کردند. اما صاحبش آنجا را رها کرد چون فرزندانش حاضر نشدند کار پدر را ادامه دهند.

سفر در زمان

در منطقه ورزنه، روستایی به نام قورتان هست که از دو جهت دیدنی است. یکی ارگ